غدیریان
و
زیارت اربعین حسینی



بسم الله الرحمن الرحیم

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور:غدیریان و زیارت اربعین حسینی/محمدرضا شریفی

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام حسین ع - اربعین - حضرت زهرا س

ص: ۱

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

باشنیدن اربعین ،زیارت حضرت سید الشهداعلیه السلام درروز اربعین برای همه ی غدیریان تداعی شده و هرساله مشتاقان زیارت آن حضرت اضافه شده و این آرزوی هر شیعه ی امیرالمومنین علی علیه السلام است که بتواند در این روز جزء زائران ایشان بوده و ایمان خود را نسبت به ولایت علی علیه السلام به ظهور برساند. اربعین و زیارت در این روزها شوق به زیارت مولائی است غریب ومظلوم که به خاطر فرزند علی علیه السلام بودن، آماج تیر ها و شمشیر های دشمنان غدیر قرار گرفت و بدنش زیر سم ستوران، پایمال گردید. غدیریا ن آنچه از معارف اهل بیت علیهم السلام دردست دارند و منتقم هستند، همگی را مدیون شهیده دفاع غدیر حضرت زهرا سلام الله علیها و فرزندش حسین بن علی علیه السلام می باشند. شهیده ای که به دفاع از صاحب غدیر ، علی علیه السلام ، شش ماهه اش را فدا کرد و پهلویش شکست واستخوان بازویش شکسته شد وشهیدی که شش ماهه اش سردست باتیر سه شعبه گلویش دریده شد و استخوانها ی بدنش به کینه ی پسر علی بودن خرد شد. غدیریان برای ادای دین خود به مدافع غدیر و شهید مظلوم به خاطر ستم های دشمنان علی علیه السلام ،از هر کجای عالم در این روز خود را به کربلا می رساند و با اشک چشم به دومین وارث غدیر سلام می دهند.

آری ! اربعین یادآور مصائب سختی است که به فرزند غدیر، حسین بن علی علیه السلام وارد شد ومگر فرزند علی علیه السلام بودن واز غدیر علی علیه السلام ارث الهی بردن جرم بوده که امت پیامبر آخر الزمان بایـد بخاطر این نسب شریف پسر پیغمبر شان را به شهادت رسانده و سر از بدن مطهرش جدانمایند؟!

امام حسین (علیه السلام)در زمانیکه برروی معارف غدیر پرده ها کشیده شده بود ندای" هیهات من الذله "را سرداده و عزت و سربلندی معارف غدیر علی علیه السلام را به گوش جهانیان رسانید و این ندا الآن به گوش همه ی غدیریان رسیده است . و شوق زیارت آن حضرت روز به روز در دل هایشان اضافه گشته و در این روز برای گرامیداشت شهادت آن حضرت با پای پیاده عازم زیارت آن بزرگوار شده و رنج و سختی سفر را با پای پیاده عاشقانه تحمل کرده وبرای اظهار ایمان خود ونشان دادن پای بندیشان به معارف غدیر بااشک چشم ودلی سوزان بر حسین بن علی علیه السلام سلام میدهند.

تنها برای شهادت امام حسین علیه السلام اربعین گرفته می شود

تنها برای شهادت امام حسین علیه السلام است که " اربعین" گرفته می شود ،این تعظیم شعائر الهی است زیرا در روز اربعین وقایعی خاص اتفاق افتاده است که در هیچ اربعینی بعد از شهادت دیگر اهل بیت علیهم السلام اتفاق نیفتاده است.

در این روز با ورود کاروان اسرائی که از کربلا درحالی وداع نموده بودند که بدنهای عزیزانشان به خاک سپرده نشده بود، تمام مصائب یک جا برای این ها تداعی گشته و بزرگ ترین مجلس عزاداری برگزار گردید:

ص: ۲

روضه خوان هایی از جمله زین العابـدین علیه السـلام، حضـرت زینب سـلام الله علیها و جابر به همراه عطیه، آن هایی که هم روضـه خوان بودند هم گریه کن.

دفن سـرمقدس حضـرت سیدالشـهدا علیه السـلام و دیگر سرهای مقدس شهدا، سرهایی که چهل روز از بدن هایشان جداشده بود و برروی نیزه ها منزل به منزل برای نمایش به دشمنان خدا برده می شد.

وقایعی جانسوز در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد که هرساله شیعیان و محبین آن حضرت را وا میدارد باپای پیاده با حرکتی پرشور و نمـادین به زیـارت مولاـی خود حضـرت سیدالشـهدا علیه السـلام برونـد و نشانه ی ایمان خودشان را به عنوان یک مؤمن به ظهور برسانند.

تعظیم اربعین و زیارت آن حضـرت در این روز پیروی از سنت زین العابدین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خاصه حضـرت زینب سـلام الله علیها می باشـد و هم چنین پیروی از سـنت اصـحاب خاص رسول خداصـلی الله علیه و آله و سـلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و جناب جابر می باشد. او که در این روز باحالتی خاص و سوزش دل به زیارت آن حضرت آمد و درکنار قبر مطهر آن حضرت روضه خواند و گریست.

بنـابراین زیـارت امـام حسـین علیه السـلام در روز اربعین چون سـنت اهل بیت علیهم السـلام و سـیره صـحابی خاص اهل بیت علیهم السـلام است و یـادآوری همه ی مصـائب روز عـاشورا برای اهل بیت علیهم السـلام درسـرزمین کربلاست از شـعائر حسـینی است و تعظیم شعائر حسینی، تعظیم شعائرالهی است.

وما در مورد دیگر اهل بیت علیهم السـلام درمورد اربعین شـهادت شان چنین سیره و سنتی از اهل بیت علیهم السلام و با چنین وقایع جانسوز نداریم. بنابراین شـیعیان نیز به پیروی از سـیره و سـنت عزاداری اهل بیت علیهم السلام در ورود حزن آور به کربلا و زیارت امـام حسـین علیه السـلام دراین روز وتوصـیه آن ها به این که این زیارت نشانه ی مؤمن است بحمـدلله هرساله باپای پیاده از اطراف کربلا چندین روز به اربعین مانده حرکت کرده و باتحمل مشکلات و سختی بااشتیاق در روز اربعین خود را به کربلا می رسانند.

ص: ۳

زیارت امام حسین در روز اربعین

متن

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَی التَّلَّعُکْبَرِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو الْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعَدَهَ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ لِی مَوْلَایَ الصَّادِقُ علیه السلام فِی زِیَارَهِ الْأَرْبَعِینَ تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ:

السَّلَامُ عَلَی وَلِیِّ اللَّهِ وَ حَبِیبِهِ السَّلَامُ عَلَی خَلِیلِ اللَّهِ وَ نَجِیبِهِ السَّلَامُ عَلَی صَفِیِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِیِّهِ السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ السَّلَامُ عَلَی أَسِیرِ الْکُرُبَاتِ وَ قَتِیلِ الْعَبَرَاتِ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِیُّکَ وَ ابْنُ وَلِیِّکَ وَ صَفِیُّکَ وَ ابْنُ صَفِیِّکَ الْفَائِزُ بِکَرَامَتِکَ أَکْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَهِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَهِ وَ اجْتَبَیْتَهُ بِطِیبِ الْوِلَادَهِ وَ جَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السَّادَهِ وَ قَائِداً مِنَ الْقَادَهِ وَ ذَائِداً مِنَ الذَّادَهِ وَ أَعْطَیْتَهُ مَوَارِیثَ الْأَنْبِیَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّهً عَلَی خَلْقِکَ مِنَ الْأَوْصِیَاءِ فَأَعْذَرَ فِی الدُّعَاءِ وَ مَنَعَ النُّصْحَ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ حَیْرَهِ الضَّلَالَهِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَی وَ شَرَی آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْکَسِ وَ تَغَطْرَسَ وَ تَرَدَّی فِی هَوَاهُ وَ أَسْخَطَکَ وَ أَسْخَطَ نَبِیَّکَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِکَ أَهْلَ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ-وَ حَمَلَهَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِینَ لِلنَّارِ فَجَاهَدَهُمْ فِیکَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّی سُفِکَ فِی طَاعَتِکَ دَمُهُ وَ اسْتُبِیحَ حَرِیمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِیلًا وَ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِیماً

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ سَیِّدِ الْأَوْصِیَاءِ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِینُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِینِهِ عِشْتَ سَعِیداً وَ مَضَیْتَ حَمِیداً وَ مِتَّ فَقِیداً مَظْلُوماً شَهِیداً وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَکَ وَ مُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ

ص: ۴

وَ أَشْـهَدُ أَنَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِهِ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهً سَـمِعَتْ بِذَلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ

اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْـهِدُکَ أَنِّی وَلِیٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْـهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلَابِ الشَّامِخَهِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاهِلِیَّهُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسْکَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِیَابِهَا

وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّینِ وَ أَرْکَانِ الْمُسْلِمِینَ وَ مَعْقِلُ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَشْـهَدُ أَنَّکَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ التَّقْوَی وَ أَعْلَامُ الْهُدَی وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَی وَ الْحُجَّهُ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ

أَشْـهَدُ أَنِّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِیَابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِینِی وَ خَوَاتِیمِ عَمَلِی وَ قَلْبِی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِی لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّهٌ حَتَّی یَأْذَنَ اللَّهُ لَکُمْ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِکُمْ وَ أَجْسَامِکُمْ وَ شَاهِدِکُمْ وَ غَائِبِکُمْ وَ ظَاهِرِکُمْ

وَ بَاطِنِکُمْ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ ثُمَّ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَنْصَرِفُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ترجمه

سلام بر ولی خـدا و دوست او سـلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سـلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سـلام بر حسـین مظلوم و شـهید سـلام بر آن بزرگواری که به گرفتاریها اسیر بود و کشـته اشک روان گردیـد؛خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد.

به بزرگـداشت تو، گرامیش کردی بوسـیله شـهادت و مخصوصـش داشتی به سـعادت و برگزیـدی او را به پـاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند.

ص: ۵

و میراث هـای پیـامبران را به او دادی و از اوصـیایی که حجت تو بر خلقت هسـتند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جـای عـذر و بهانه ای (برای کسـی) نگـذارد و بی دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد؛تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سـرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضـرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار و بزرگی کردند.

و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دسـتگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سـنگین گناه بدوش می کشـیدند و بدین جهت مسـتوجب دوزخ گشـته بودند آن حضـرت (که چنان دیـد) با شـکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسـش شکسـته شد.

خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک سـلام بر تو ای فرزند رسول خدا سـلام بر تو ای فرزند آقای اوصـیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اویی سـعادتمند زیستی و سـتوده از دنیا رفتی و گمگشـته و ستمدیده و شهید درگذشتی.

و نیز گواهی دهم که خـدا براستی وفا کنـد بـدان وعده ای که به تو داده و به هلاکت رساند هرکه را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو به خوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید.

ص: ۶

خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد. پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحم هایی پاکیزه که آلوده ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباس های چرکینش.

و گواهی دهم که براستی تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندانت روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت هایی بر مردم دنیا هستند. و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد.

پس با شمایم نه با دشمنان شما، درودهای خدا بر شما و بر روان های شما و پیکرهایتان و حاضرتان و غائبتان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان. پس دو رکعت نماز می کنی و دعا می کنی به آنچه می خواهی و برمی گردی.

ص: ۷

اسناد

۱- المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص: ۵۱۴

۲- المزار (للشهید الاول)، ص: ۱۸۵

۳- تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۶، ص: ۱۱۳

۴- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص: ۷۸۸

۵- البلد الأمین و الدرع الحصین، النص، ص: ۲۷۴

۶- إقبال الأعمال (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۵۹۰

۷- المصباح للکفعمی (جنه الأمان الواقیه)، ص: ۴۸۹

۸- زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: ۲۴۸

۹- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص: ۳۳۱

۱۰- الوافی، ج ۱۴، ص: ۱۵۸۱

اهمیت اربعین حسینی

وروداهل بیت امام حسین (ع) به کربلاویاداوری مصائب

ثُمَّ قَالَ السَّیِّدُ وَ لَمَّا رَجَعَتْ نِسَاءُ الْحُسَیْنِ ع وَ عِیَالُهُ مِنَ الشَّامِ وَ بَلَغُوا إِلَی الْعِرَاقِ قَالُوا لِلدَّلِیلِ مُرَّ بِنَا عَلَی طَرِیقِ کَرْبَلَاءَ فَوَصَلُوا إِلَی مَوْضِعِ الْمَصْرَعِ فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیَّ وَ جَمَاعَهً مِنْ بَنِی هَاشِمٍ وَ رِجَالًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ وَرَدُوا لِزِیَارَهِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ فَوَافَوْا فِی وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ تَلَاقَوْا بِالْبُکَاءِ وَ الْحُزْنِ وَ اللَّطْمِ وَ أَقَامُوا الْمَآتِمَ الْمُقْرِحَهَ لِلْأَکْبَادِ وَ اجْتَمَعَ إِلَیْهِمْ نِسَاءُ ذَلِکَ السَّوَادِ وَ أَقَامُوا عَلَی ذَلِکَ أَیَّاماً فَرُوِیَ عَنْ أَبِی حُبَابٍ الْکَلْبِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْجَصَّاصُونَ قَالُوا کُنَّا نَخْرُجُ

إِلَی الْجَبَّانَهِ فِی اللَّیْلِ- عِنْدَ مَقْتَلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَنَسْمَعُ الْجِنَّ یَنُوحُونَ عَلَیْهِ فَیَقُولُونَ:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِینَهُ فَلَهُ بَرِیقٌ فِی الْخُدُودِ أَبَوَاهُ مِنْ عَلْیَا قُرَیْشٍ وَ جَدُّهُ خَیْرُ الْجُدُودِ

هنگامی که زنان و فرزندان حسین از شام برگشتند و بعراق رسیدند به راهنما گفتند: ما را از طریق کربلا ببر. وقتی به موضع قتلگاه رسیدند، جابر بن عبد اللّه انصاری را با گروهی از بنی هاشم و مردی از آل رسول اللّه یافتند که برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده بودند. همه در یک وقت وارد شدند و با یک دیگر شروع بگریه و حزن کردند و لطمه بصورت زدند. ماتمی بپا کردند که فوق العاده دلخراش و جگر سوز بود. زنان آن دیار نیز به ایشان پیوستند و عموما چند روزی عزاداری کردند.

ص: ۸

ابو حباب کلبی میگوید: گچکارها گفتند: ما پس از قتل امام حسین علیه السلام شبانه بر سر قبر امام حسین (که در آن موقع بیابان بود) می رفتیم، می شنیدیم که جنّ برای آن حضرت نوحه سرائی می کردند و می گفتند:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِینَهُ فَلَهُ بَرِیقٌ فِی الْخُدُودِ أَبَوَاهُ مِنْ عَلْیَا قُرَیْشٍ وَ جَدُّهُ خَیْرُ الْجُدُودِ

یعنی: «پیغمبر خدا دست مهربانی به پیشانی حسین میکشید و گونه های صورت حسین درخشنده بود. پدر و مادر حسین از بزرگواران قبیله قریش بودند و جد بزرگوارش بهترین جد بود.»

منبع:

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص: ۱۴۷

زندگانی حضرت امام حسین(ع)(ج ۴۵)، ص: ۱۹۴

دفن سرهای مقدس

الف) شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) می نویسد: «امام سجاد علیه السلام با اهل بیت علیهم السلام به همراه سرهای مبارک شهیدان (از دمشق) خارج شدند و سرهای مقدس را به کربلا باز گردانند و (به خاک سپردند)». «۱»

ب) فتّال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ق) نیز می نویسد: «خَرَجَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِالنِّسْوَهِ، وَرَدَّ رَأْسَ الْحُسَیْنِ إلی کَرْبَلاءَ؛ امام علی بن الحسین علیه السلام همراه با زنان، سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند». «۲»

ج) ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ق) نیز در مناقب، اعاده سر مطهر امام حسین علیه السلام را به بدنش ذکر کرده است. «۳»

د) عالم بزرگ اهل سنّت سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ ق) نیز می نویسد: «أَلْأَشْهَرُ أَنَّهُ رُدَّ إلی کَرْبِلاءَ فَدُفِنَ مَعَ الْجَسَدِ؛ قول مشهورتر آن است که سر مبارک آن حضرت به کربلا آورده شد و در کنار پیکر مطهرش دفن گردید». «۴»

ه) علّامه مجلسی نیز می نویسد: «مشهور میان علمای امامیه آن است که سر مبارک آن حضرت کنار پیکر شریفش به خاک سپرده شد و این کار توسط امام علی بن الحسین علیه السلام انجام گرفت. «۵»

ص: ۹

و) شبلنجی عالم بزرگ اهل سنت نیز می نویسد: «امامیه معتقد است بعد از چهل روز از شهادت امام حسین علیه السلام سر مطهر آن حضرت به بدنش در کربلا ملحق شد». «۶»

بنابراین، با توجّه به این نکته که سرهای شهدا به کربلا بازگردانده شد و آن هم توسط امام سجّاد علیه السلام صورت گرفت و در کنار بدن های مطهّر به خاک سپرده شد.

پی نوشت ها

(۱). امالی صدوق، مجلس ۳۱، ص ۱۶۸، ح ۴، (خَرَجَ عَلیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِالنِّسْوَهِ وَرَدَّ رَأْسَ الْحُسَیْنِ إِلی کَرْبَلاءَ)

(۲). روضه الواعظین، ص ۱۹۲

(۳). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵

(۴). تذکره الخواص، ص ۱۵۰

(۵). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵

(۶). نورالابصار، ج ۲، ص ۴۴

زیارت جابر بهمراه عطیه درروز اربعین

شخصیت علمی عطیّه

عطیّه بن سعد بن جناده عوفی ، از رجال علم و حدیث شیعه بود. وی در زمان خلافت امیرالمؤ منین علیه السّلام در کوفه به دنیا آمد. نام عطیّه ، به پیشنهاد آن حضرت بر وی نهاده شد. او از راویان موثق شیعه بود که حتّی در کتب رجالی اهل سنّت هم توثیق شده است . وی به جرم تشیّع و هواداری علی علیه السّلام از سوی حجّاج بن یوسف تحت تعقیب بود و به فارس گریخت . به دستور حجاج ، او را گرفتند و چون حاضر نشد علی علیه السّلام را لعن کند، چهارصد تازیانه بر بدنش زدند و موی سر و ریش او را تراشیدند. از آن پس به خراسان رفت و پس از مدّتی به کوفه بازگشت . در کوفه بود تا در سال ۱۱۱ هجری درگذشت .

ص: ۱۰

منبع:

معارف و معاریف ، ج ۴ ، ص ۱۵۶۷ .

جابربهمراه عطیه

أخبرنا الشیخ الأمین أبو عبد الله محمد بن شهریار الخازن بقراءتی علیه فی مشهد مولانا أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام فی شوال سنه اثنتی عشره و خمسمائه قال أملأ علینا أبو عبد الله محمد بن محمد البرسی قال: أخبرنی أبو طاهر محمد بن الحسین القرشی المعدل قال: حدثنا أبو عبد الله أحمد بن أحمد بن حمران الأسدی قال:

حدثنا أبو أحمد إسحاق بن محمد بن علی المقری قال: حدثنا عبد الله قال: حدثنا عبید الله بن محمد بن الأیادی قال: حدثنا عمر بن مدرک قال: حدثنا یحیی بن زیاد الملکی قال: أخبرنا جریر بن عبد الحمید عن الأعمش عن عطیه العوفی قال: خرجت مع جابر بن عبد الله الأنصاری زائرین قبر الحسین بن علی بن أبی طالب علیه السلام فلما وردنا کربلاء دنا جابر من شاطئ الفرات فاغتسل ثم اتزر بإزار و ارتدی بآخر ثم فتح صره فیها سعد فنثرها علی بدنه ثم لم یخط خطوه إلا ذکر الله تعالی حتی إذا دنا من القبر قال ألمسنیه فألمسته فخر علی القبر مغشیا علیه فرششت علیه شیئا من الماء فلما أفاق قال یا حسین ثلاثا ثم قال حبیب لا یجیب حبیبه ثم قال و أنی لک بالجواب و قد شحطت أوداجک علی أثباجک و فرق بین بدنک و رأسک فأشهد أنک ابن خاتم النبیین و ابن سید المؤمنین و ابن حلیف التقوی و سلیل الهدی و خامس أصحاب الکساء و ابن سید النقباء و ابن فاطمه سیده النساء و ما لک لا تکون هکذا و قد غذتک کف سید المرسلین و ربیت فی حجر المتقین و رضعت من ثدی الإیمان و فطمت بالإسلام فطبت حیا و طبت میتا غیر أن قلوب المؤمنین غیر طیبه لفراقک و لا شاکه فی الخیره لک فعلیک سلام الله و رضوانه و أشهد أنک مضیت علی ما مضی علیه أخوک یحیی بن زکریا ثم جال بصره حول القبر و قال السلام علیکم أیتها الأرواح التی حلت بفناء الحسین و أناخت برحله و أشهد أنکم أقمتم الصلاه و آتیتم الزکاه و أمرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر و جاهدتم الملحدین و عبدتم الله حتی أتاکم الیقین و الذی بعث محمدا بالحق نبیا لقد شارکناکم فیما دخلتم فیه قال عطیه فقلت له یا جابر کیف و لم نهبط وادیا و لم نعل جبلا و لم نضرب بسیف و القوم قد فرق بین رءوسهم و أبدانهم و أوتمت أولادهم و أرملت أزواجهم؟ فقال یا عطیه سمعت حبیبی رسول الله صلی الله علیه واله یقول من أحب قوما حشر معهم و من أحب عمل قوم أشرک فی عملهم و الذی بعث محمدا بالحق نبیا أن نیتی و نیه أصحابی علی ما مضی علیه الحسین ع و أصحابه خذنی نحو إلی أبیات کوفان فلما صرنا فی بعض الطریق قال یا عطیه هل أوصیک و ما أظن أننی بعد هذه السفره ملاقیک أحبب محب آل محمد ص ما أحبهم و أبغض مبغض آل محمد ما أبغضهم و إن کان صواما قواما و ارفق بمحب محمد و آل محمد فإنه إن تزل له قدم بکثره ذنوبه ثبتت له أخری بمحبتهم فإن محبهم یعود إلی الجنه و مبغضهم یعود إلی النار.

ص: ۱۱

ترجمه:

شیخ جلیل القدر عماد الدین ابوالقاسم طبری آملی که از اجلّاء فن حدیث و تلمیذ ابوعلی بن شیخ طوسی است در کتاب (بشاره المصطفی) که از کتب بسیار نفیسه است، مُسنَداً روایت کرده است از عطیّه بن سعد بن جُنادَهَ العوفی الکوفی که از رُوات امامیه است و اهل سنّت در رجال تصریح کرده اند به صدق او در حدیث که گفت : ما بیرون رفتیم با جابر بن عبداللّه انصاری به جهت زیارت قبر حضرت حسین علیه السّلام پس زمانی که به کربلا وارد شدیم جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد پس جامه را لنگ خود کرد و جامه دیگر را بر دوش افکند پس گشود بسته ای را که در آن (سُعد) بود و بپاشید از آن بر بدن خود، پس به جانب قبر روان شد و گامی بر نداشت مگر با ذکر خدا تا نزدیک قبر رسید مرا گفت : که دست مرا به قبر گذار، من دست وی را بر قبر گذاشتم چون دستش به قبر رسید بی هوش بر روی قبر افتاد، پس آبی بر وی پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت یا حسین ! سپس گفت : حَبیبٌ لا ـ یُجیبُ حَبیبَهُ؟ آیا دوست جواب نمی دهد دوست خود را؟ پس گفت : کجا توانی جواب دهی و حال آنکه در گذشته از جای خود رگهای گردن تو و آویخته شده بر پشت و شانه تو، و جدائی افتاده ما بین سر و تن تو، پس شهادت می دهم که تو می باشی فرزند خیر النّبیین و پسر سیّدالمؤ منین و فرزندهم سوگند تقوی و سلیل هُدی و خامس اصحاب کساء و پسر سیّد النقباء و فرزند فاطمه علیهاالسّلام سیّده زنها و چگونه چنین نباشی و حال آنکه پرورش داده ترا پنجه سیّدالمرسلین و پروریده شدی در کنار متّقین و شیر خوردی از پستان ایمان و بریده شدی از شیر باسلام و پاکیزه بودی در حیات و ممات ، همانا دلهای مؤ منین خوش نیست به جهت فراق تو و حال آنکه شکی ندارد در نیکوئی حال تو، پس بر تو باد سلام خدا و خشنودی او، و همانا شهادت می دهم که تو گذشتی بر آنچه گذشت بر آن برادر تو یحیی بن زکریا. پس جابر گردانید چشم خود را بر دور قبر و شهدا را سلام کرد بدین طریق : اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیَّتُهَا الاَرْواحُ الّتی حَلَّت بِفِناءِ قَبْرِ الْحُسَینِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَ اَناخَتْ بِرَحْلِهِ؛ اَشْهَدُ اَنَّکُم اَقَمْتُمُ الصَّلاهَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکاهَ وَ اَمَرتُمْ بِالمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ المُنکَرِ وَ جاهَدْتُمُ المُلْحِدینَ وَ عَبَدْتُمُ اللّهَ حَتّی اَتیکُمُ اْلیَقینُ. پس گفت : سوگند به آنکه بر انگیخت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلّم را به نبوّت حقّه که ما شرکت کردیم در آنچه شما داخل شدید در آن . عطیه گفت : به جابر گفتم : چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آنکه فرود نیامدیم ما وادئی را و بالا ـ نرفتیم کوهی را و شمشیر نزدیم و امّا این گروه ، پس جدائی افتاده ما بین سر و بدنشان و اولادشان یتیم و زنانشان بیوه گشته ؟! جابر گفت : ای عطیّه ! شنیدم از حبیب خود رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم که می فرمود: هر که دوست دارد گروهی را، با ایشان محشور شود و هر که دوست داشته باشد عمل قومی را، شریک شود در عمل ایشان . پس قسم به خداوندی که محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلّم را به راستی برانگیخته که نیّت من و اصحابم بر آن چیزی است که گذشته بر او حضرت حسین علیه السّلام و یاورانش . پس جابر گفت : ببرید مرا به سوی خانه های کوفه ، پس چون پاره ای راه رفتیم به من گفت : ای عطیّه آیا وصیّت کنم ترا و گمان ندارم که برخورم ترا پس از این سفر، و آن وصیّت این است که دوست دار دوست آل محمّد را مادامی که ایشان را دوست دارد، و دشمن دار دشمن آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلّم را تا چندی که دشمن است با ایشان اگر چه روزه دار و نمازگزار باشند، و مدارا کن با دوست آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم اگر چه بلغزد از ایشان پائی از بسیاری گناهان و استوار و ثابت بماند پای دیگر ایشان از راه دوستی ایشان ، همانا دوست ایشان بازگشت نماید به بهشت و دشمن ایشان باز گردد به دوزخ.

ص: ۱۲

منبع:

بشاره المصطفی لشیعه المرتضی (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۷۵

نحوه زیارت اربعین جابر

وَ قَالَ عَطَاءٌ كُنْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ فَلَمَّا وَصَلْنَا الْغَاضِرِيَّهَ اغْتَسَلَ فِی شَرِيعَتِهَا وَ لَبِسَ قَمِيصاً كَانَ مَعَهُ طَاهِراً ثُمَّ قَالَ لِی أَ مَعَكَ شَیْ‌ءٌ مِنَ الطِّيبِ يَا عَطَاءُ قُلْتُ مَعِی سُعْدٌ فَجَعَلَ مِنْهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ سَائِرِ جَسَدِهِ ثُمَّ مَشَى حَافِياً حَتَّى وَقَفَ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ كَبَّرَ ثَلَاثاً ثُمَّ خَرَّ مَغْشِيّاً عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَهَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خِيَرَهَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفِينَهَ النَّجَاهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ بْنَ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ بْنَ الْقَتِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِیَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاهَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاهَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ بَرَرْتَ وَالِدَيْكَ وَ جَاهَدْتَ عَدُوَّكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ وَ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيبُهُ وَ صَفِيُّهُ وَ ابْنُ صَفِيِّهِ زُرْتُكَ مُشْتَاقاً فَكُنْ لِی شَفِيعاً إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِی أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ بِأُمِّكَ سَيِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ ظَالِمِيكَ وَ شَانِئِيكَ وَ مُبْغِضِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ ثُمَّ انْحَنَى عَلَى الْقَبْرِ وَ مَرَّغَ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ جَاءَ إِلَى قَبْرِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَایَ وَ ابْنَ مَوْلَایَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمَكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكُمْ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ ثُمَّ قَبَّلَهُ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ الْتَفَتَ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَهِ بِقَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شِيعَهَ اللَّهِ وَ شِيعَهَ رَسُولِهِ وَ شِيعَهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُّونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى مَلَائِكَهِ اللَّهِ الْحَافِّينَ بِقُبُورِكُمْ جَمَعَنِیَ اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ فِی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ.

ص: ۱۳

« عطاء » روایت کرده که گفت :

با جابر برای زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام به کربلا آمدیم . جابر غسل کرد و بر خود عطر زد . دستش را گرفته به روی قبر مطهّر حضرت سید الشهداء علیه السلام گذاشتم . بیهوش شد . بر صورت او آب زدم . به حال آمد . با سوز دل سخنانی جگر سوز به محضر حضرت حسین علیه السلام عرضه داشت ،

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای انتخاب گشته های خدا از میان خلق، سلام بر شما ای آقایان آقاها، سلام بر شما ای شیران بیشه ها،سلام بر شما ای کشتیهای نجات، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه الحسین، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته فرزند کشته، سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا بر خلقش، گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی، و زکات پرداختی، و به معروف امر کردی، و از منکر نهی نمودی، و مصیبت زده پدر و مادر شدی، و با دشمنت جهاد کردی، و گواهی می دهم که تو سخن را می شنوی، و پاسخ می دهی، و تو حبیب و دوست و بنده نجیب و برگزیده و فرزند برگزیده خدایی، ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت نمودم. ای آقای من به درگاه خدا شفیع من باش، ای آقای من، به درگاه خدا طلب شفاعت می کنم به وسیله جدّت سرور پیامبران، و پدرت سرورجانشینان، و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان، خدایا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارت گر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان، و درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش. سپس قبر مطهّر را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیه السّلام کن و در زیارت آن جناب بگو: سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خدا لعنت کند کشنده تو و ستم کننده بر تو را، من به زیارت شما و محبّتتان به خدا تقرب می جویم، و از دشمنانتان اعلام بیزاری می کنم سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم. بعد برو تا به قبور شهدا (رضوان اللّه علیهم) برسی آنجا بایست و بگو: سلام بر ارواح خفته در کنار قبر ابی عبد اللّه الحسین (درود بر او)، سلام بر شما ای پاکان از آلودگی، سلام بر شما ای هدایت شده گان سلام بر شما ای نیکان خدا، سلام بر شما و بر همه فرشتگان پیرامون قبرهایتان خدا ما و شما را در جایگاه رحمتش و زیر عرشش گرد آورد، که او مهربان ترین مهربانان است، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

ص: ۱۴

منبع:

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص: ۳۳۰

زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: ۵۲۹

زیاره اربعین نشانه مومن

وَ قَالَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ (علیه السلام): عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ إِحْدَى وَ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ بِالْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده است: پنج چیز از نشانه های مؤمن است. گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و پیشانی بر خاک ساییدن و بلند گفتن بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم. (۱)

علائم مؤمن

این روایت ما را به این عادت همگان شناخته شده میان مردم راهنمائی می کند، بزرگداشت سید الشهداء و بر پائی مجالس ذکر او در روز اربعین از جانب کسانی است که محب و شیعه او باشند و بدون شک شیعیان همان مؤمنینی هستند که به امامت او معتقد باشند و از علائم ایمان و محبت آنها به آقای جوانان بهشت، حضور یافتن نزد قبر مطهر وی در روز اربعین بارای اقامه ماتم و تجدید عهد و میثاق با وی می باشد.تصرف کردن در جمله زیاه الأربعین به اینکه بگوییم منظور از آن زیارت چهل فرد مؤمن باشد، یک کج فهمی است که ذوق سلیم از آن اباء و امتناع دارد، چون اگر منظور حدیث، زیارت چهل مؤمن بود، می بایست الف و لام نیاورد و بگوید: زیاره اربعین، الان که الف و لام عهد را آورده است معلوم می شود همان زیارت اربعین معهود و معروف مد نظر است که یکی از علائم ایمان و محبت نسبت به ائمه علیهم السلام می باشد.

ص: ۱۵

باب نجات و کشتی رحمت

نکته دیگر اینکه ائمه معصومین علیهم السلام اگر چه عموماً درهای نجات و کشتیهای رحمت هستند و با ولایت آنان مؤمن از غیر مؤمن شناخته می شود و همگان در راه دعوت به دین شهید شدند و جان خود را برای امتثال امر خداوند اهدا کرده اند و لذا امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند: این امر را دوازده امام دارند هیچ کدام از آنها نیست مگر اینکه مقتول یا مسموم می شود، و لذا واجب است اقامه ماتم در اربعین هر کدام از ائمه، اما قرینه حالیه، علماء را ملزم کرده است که از این جمله، خصوص زیارت حسین علیه السلام را بفهمند، زیرا قضیه سید الشهداء است که میان دعوت حق و باطل تمیز داده و لذا گفته می شود که آغاز اسلام، محمدی، و بقاء آن حسینی است و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حسین از من است و من از حسینم، به همین مطلب اشاره می کند، زیرا آنچه سید الشهداء تحمل کرد برای محکم کردن اساس اسلام، پاک کردن خارهای باطل از راه شریعت و آگاه کردن نیکان به جرائم اهل ضلال و گمراهی بود و این عین نهضت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نشر دعوت الهی بود. به همین دلیل است که ائمه معصومین علیه السلام هیچ فرصتی نیافته اند مگر اینکه نظرها را به این نهضت کریمه، متوجه سازند، چون این نهضت در بر گیرنده فاجعه هائی است که صخره را فرو می ریزد و می دانند که مواظبت بر آشکار کردن مظلومیت حسین علیه السلام عاطفه ها را تحریک و دلها را نرم می کند، شنونده می داند که حسین امامی عادل است، هرگز به پستی تن نمی دهد، او امامت را از جد و پدر خود گرفته است و هر کس به مبارزه او برخیزد از عدالت خارج است، هنگامی که شنونده دانست که حق با حسین علیه السلام و فرزندان معصوم اوست بدون شک راه آنان را خواهد پیمود.

ص: ۱۶

از این روست که از جانب ائمه علیهم السلام تشویق به اقامه ماتم در هیچ اربعینی حتی اربعین پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارد نشده است زیرا تذکر دادن فاجعه کربلا- یک عامل قوی در باقی گذاردن رابطه دینی، و متوجه کردن نظرها به کربلا- در احیأ امر معصومین علیهم السلام جذاب تر است. و به هر حال برای خواننده گرامی اختصاص زیارت اربعین به مؤمن آشکار می شود اگر نظائر و هم قرینه های آن را که حدیث بر آنها اشاره نموده است.

نخستین آنها نماز پنجاه و یک رکعت است که در شب معراج تشریع شد و با شفاعت پیامبر به پنج نماز واجب بسنده شد: هفده رکعت در صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء و سی و چهار رکعت نافله: هشت رکعت نافله ظهر قبل از آن و هشت رکعت نافله عصر قبل از آن، چهار رکعت مغرب بعد از صبح و یازده رکعت نافله شب که با اضافه نمودن آنها به نمازهای واجب مجموعاً پنجاه و یک رکعت می شوند. این عمل از مواردی است که مختص به امامیه است، اهل سنت اگر چه در عدد فرائض، موافق با شیعه هستند اما در نوافل اقوال آنها مختلف و گونه گون است: در فتح القدیر از ابن همام حنفی ج ۱، ص ۳۱۴ آمده است که نوافل دو رکعت قبل از فجر، چهار رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از ظهر، چهار رکعت قبل از مغرب و دو رکعت بعد از آن و چهار رکعت بعد از عشاء است در مورد نافله شب هم اختلاف است که آیا هشت رکعت است یا دو رکعت یا سیزده رکعت یا بیشتر؟ که مجموع نوافل شب و روز با نمازهای واجب پنجاه و یک رکعت نمی شود و لذا پنجاه و یک رکعت مخصت به امامیه است. دومین چیزی که روایت ذکر کرده بلند بسم الله گفتن است. امامیه در نمازهای جهریه (نمازی که باید با صدای بلند خواند شود یعنی صبح و مغرب و عشاء) آن را واجب می دانند و در نمازهای اخفاتیه (ظهر و عصر) آن را مستحب می دانند.

ص: ۱۷

مورد دوم: آشکارا گفتن بسم الله الرحمن الرحیم است امامیه معتقدند که در نمازهای واجب جهری مثل مغرب، عشاء و صبح به صورت وجوبی آشکارا گفتن آن لازم است و به صورت استحباب در نمازهای اخفاتی مانند ظهر و عصر.

فخر رازی می گوید: شیعه معتقد است که بلند گفتند بسم الله در نمازهای جهری و اخفاتی از سنت است و بقیه فقهأ با این نظر شیعه، مخالف هستند. به تواتر ثابت شده است که علی بن ابیطالب علیه السلام بسم الله را بلند می گفت و هر کس در دین خود به علی علیه السلام اقتدا کند به تحقیق هدایت یافته است و دلیل آن هم قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: خدایا حق را با علی علیه السلام بگردان هر جا که بوده باشد.البته این کلمه فخر رازی را ابو الثناء آلوسی هضم نکرده است و لذا گفته است: اگر فردی به جمیع آنچه از امیرالمؤمنین متواتر است عمل کند به تحقیق کافر شده است، چون باید به بعضی ایمان آورد و به بعضی کافر شود و اینکه گفته شده که هر کس در دین خود به علی علیه السلام اقتدا کند هدایت شده، مسلم است، ولی در صورتی است که روایتی که کارهای علی علیه السلام را حکایت می کند مسلم و متواتر باشد.این هجوم آلوسی و امثال او، به شیعه ضرر نمی رساند که قدمهای خود را بر ولایت سید اوصیاء راسخ گردانیده اند. پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: ای علی خدای تعالی را نشناخت مگر من و تو، مرا نشناخت مگر خدا تو، و تو را نشناخت مگر خدا و من. اهل تسنن در مسأله جهر با امامیه مخالف هستند. در مغنی ابن قدامه ج ۱، ص ۴۷۸ بدایع الصنایع کاشانی ج ۱، ص ۲۰۴ و شرح زرقانی بر مختصر ابی الضیاء ج ۱، ص ۲۱۶ آمده است که بلند گفتن بسم الله در نماز سنت نیست.

ص: ۱۸

سومین چیزی که حدیث به آن متعرض شده است، اینست که انگشتر را به دست راست بکنند، امامیه طبق روایات ائمه علیه السلام به آن ملتزم شده اند و گروهی از اهل تسنن مخالفت کرده اند. ابن حجاج مالکی می گوید: سنت اینست که هر نجاستی با دست چپ گرفته شود و هر شیأ پاک با دست راست گرفته شود، لذا در مورد انگشتر مستحب اینست که به دست چپ زده شود چون با دست راست گرفته می شود و به دست چپ زده می شود.

ابن حجر حکایت می کند که مالک اکراه داشت انگشتر را به دست راست بزند و آن را به دست چپ می زد و از مالکیه باجی مبالغه کرده است. در اینکه انگشتر به دست چپ نمودن ارجح است شیخ اسماعیل بروسوی در عقد الدرر روایت کرده است که در اصل سنت بر این بوده است که انگشتر را به دست راست بزنند و چون این کار شعار اهل بدعت و ظلمت (شیعه) شد لذا در زمان ما سنت بر اینست که انگشتر را به دست چپ بزنند (یا للعجب!).

چهارمین چیزی که در حدیث ذکر شده است تعفیر جبین است. تعفیر در لغت به معنای بر خاک گذاشتن بر خاک سائیدن است و جبین به معنای پیشانی است. پس غرض بیان این نکته است که در سجود باید پیشانی بر خاک گذاشته شود، او حنیفه و مالک و احمد بنابر روایتی سجده بر عمامه پیچیده شده و فزونی لباس و مطلق ملبوسات را تجویز کرده اند حنیفه سجده بر دست را نیز اجازه داده اند و همچنین سجده بر گندم و جو را نیز اجازه داده اند. اگر منظور از جبین صورت باشد پس هدف حدیث اینست که در سجده شکر ارجح اینست که تمامی صورت به خاک مالیده شود و لذا صاحب مدارک استنباط کرده به خاک گذاشتن گونه ها وارد شده و به واسطه همین موسی بن عمران علیه السلام استحقاق خدا را یافت، و امامهی هم در تعفیر (خاکمالی نمودن) اختلاف نظر ندارند. اهل تسنن چه در نماز و چه در سجده شکر ملتزم به تعفیر نیستند در حالی که نخعی و مالک و ابو حنیفه اصلاً سجده شکر را مکروه می دانند ولی حنابله و شافعی به اصل سجده شکر، معتقدند بدون اینکه بر خاک باشد.

ص: ۱۹

خلاصه ای درباره علائم مؤمن:

از آنچه ذکر شد آشکار می شود که منظور از زیاره الأربعین ارشاد کردن دوستداران اهل بیت علیهم السلام به حاضر شدن در محل شهادت سید الشهداء علیه السلام است تا اقامه عزا کننـد با ذکر کردن آنچه بر او گـذشت از قساوتی که هیـچ انسانی مرتکب نمی شـود تـا چـه رسـد بـه اینکه متـدین هم بـوده باشـد، یـاد او را زنـده بدارنـد و حضـور نزد قـبر حسـین علیه السـلام در روز أربعین از آشکارترین علائم ایمان است. تعجب است از کسی که در این جمله تصرف کند و بگوید منظور از آن زیارت چهل مؤمن است در حالی که هیـچ قرینه ای بر آن وجود نـدارد و الف و لام عهـد همان زیارت اربعین را دلالت می کند. البته زیارت چهل مؤمن هم از مواردی است که به آن تشویق شده است ولی از اختصاصات مؤمن نیست در حالی که زیارت حسین علیه السلام در چهلمین روز از قتلش از مواردی است که مختص به مؤمن است و معلوم است آنها که در روز اربعین در حرم مطهر حضور می یابنـد شـیعیان واقعی و پیروان حقیقی او می باشند.

شاهد بر مطلب اینست که بزرگان از علماء از این حدیث همان زیارت حسین علیه السلام در روز اربعین را فهمیده اند. از جمله آنها ابو جعفر محمـد بن حسن طوسـی است در التهـذیب (ج ۲، ص ۱۷) باب فضـیلت زیارت حسـین علیه السـلام، پس از آنکه احادیثی درباره مطلق زیارت حسـین علیه السـلام نقل می کنـد اوقات خاصـی را نیز ذکر می کند که از جمله آنها عاشورا است و پس از آن این حدیث را ذکر می کند. در مصباح المتهجد ص ۵۵۱ در حوادث ماه صـفر ذکر نموده و گفته است: در بیستم آن بازگشت حرم ابی عبـدالله علیه السـلام از شـام به مـدینه و ورود جـابر بن عبـدالله انصاری به کربلاء جهت زیارت ابی عبـدالله علیه السـلام است، او نخستین زائر بود و زیارت او زیارت اربعین بود، به تحقیق امام حسن عسـکری علیه السـلام فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز اسـت الی آخر. ابوریحان بیرونی نیز گفته است: در بیسـتم صـفر سـر به بـدن باز گردانـده شـد و با آن دفن شد، در این روز زیارت اربعین وارد شـده است و روز بـازگشت حرم حسـین علیه السـلام از شـام می باشـد.علامـه حلی در المنتهی می فرمایـد: زیارت حسـین علیه السـلام)در بیسـتم صفر مستحب است، امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز است: الی آخر. سید رضـی الدین علی بن طاووس در الاقبال در باب زیارت حسـین علیه السلام در بیستم صفر می گوید: ما روایت کرده ایم از امام حسن عسکری علیه السلام که فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز است... .

ص: ۲۰

مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه این حدیث را در مزار البحار در مبحث زیارت حسین علیه السلام در روز اربعین نقل می کند، شیخ بحرانی در حدائق می گوید: زیارت حسین علیه السلام در بیستم صفر از علامات مؤمن است.

شیخ عباس قمی در مفاتیح این روایت را از تهذیب و مصباح المتهجد به عنوان دلیل بر رجحان زیارت اربعین نقل می کند بدون آنکه احتمال دهد که چهل مؤمن منظور است. اینکه بعضی بعید دانسته اند که منظور از روایت، زیارت اربعین باشد از آن جهت است که امام علیه السلام به آثار اخروی زیارت نپرداخته اند با اینکه اهل بیت علیهم السلام هنگام تشویق به زیارت حسین علیه السلام ثوابهای مترتب بر آن را نیز ذکر می کنند. البته این استبعاد قابل توجه نیست، چون در این حدیث می خواهند علائم مؤمن را ذکر کنند که از غیر مؤمن ممتاز شود و در صدد بیان آثار زیارت نیستند.

شیخ مفید در مسار الشیعه، علامه حلی در تذکره و تحریر و ملامحسن فیض در تقویم المحسنین تصریح کرده اند که استحباب زیارت در بیستم صفر است و اینکه شیخ بهائی در توضیح المقاصد اربعین را نوزدهم از صفر دانسته اند بنابر آن است که روز دهم را نیز از چهل روز محاسبه کنند، در حالی که این امر خلاف متعارف است. (۲)

منبع:

۱. روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط – القدیمه)، ج ۱، ص: ۱۹۵

۲.مقتل الحسین علیه السلام

زیارت اربعین دراسناد تاریخی

اما عده ی که پیش از سید بن طاووس در آثار یا مقاتل خود به مناسبت، تصریح و یا تاییدی بر اربعین داشته اند:

۱– ابو مخنف – لوط بن یحیی – معاصر با امام حسین علیه السلام (۱)

ص: ۲۱

۲- شیخ صدوق، (متوفی سال ۳۸۱ق.) :

«امام سجاد علیه السلام با اهل بیت علیهم السلام و سرهی مطهر شهیدان از دمشق خارج شد و سرهی مقدس را در کربلا دفن کرد» . (۲)

هر چند ایشان تصریح نکرده اند که ورود اهل بیت علیهم السلام در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است اما از آنجا که هیچ کس زمان دیگری را در تاریخ، بری ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا به ثبت نرسانده است، در نتیجه ورود امام سجاد علیه السلام به همراه اهل بیت به کربلا، در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است.

۳- اسفرائنی (متوفی ۴۰۶ق.) - از علمی بزرگ مذهب شافعی - در مقتل خود تصریح می کند که اهل بیت علیهم السلام، بیستم صفر وارد کربلا شده و با جابر ملاقات کردند. او می گوید: «و لما وصلوا الی بعض الطریق» (و چون به راهی رسیدند) نمی گوید: «و لما وصلوا الی طریق کربلا او العراق» (و چون به راه کربلا یا عراق رسیدند) تا اشکال شود راه کربلا از بین راه مدینه نیست، بلکه از خود شام است.

۴- علم الهدی سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ق.) می نویسد:

«ان راس الحسین علیه السلام اعید الی بدنه فی کربلا» (۳)

یعنی: همانا سر مطهر امام حسین علیه السلام در کربلا به پیکر مقدس آن حضرت، عودت داده شد.

۵- ابو ریحان بیرونی، محقق و ریاضیدان شهیر (متوفی ۴۴۰ق.) در کتاب نفیس خود «الآثار الباقیه» چنین می گوید:

«و فی العشرین رد راس الحسین علیه السلام الی جثته حتی دفن مع جثته و فیه زیاره الاربعین و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام» (۴)

یعنی: سر مقدس امام حسین علیه السلام در بیستم صفر به جسد مطهر امام برگردانده و با پیکرش دفن گردید. زیارت اربعین در خصوص این روز است. اهل بیت علیه السلام نیز بعد از مراجعت از شام این روز را حرمت نهادند.

ص: ۲۲

پس ایشان تصریح می کند که ورود اهل بیت علیه السلام به کربلاـ پس از بازگشت از سفر شام بود نه قبل از رفتن به شام که مرحوم شعرانی ترجیح می دهد.

۶- شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق.) علت سنت شدن زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین را تنها انجام مراسم تدفین سرهی مطهر امام علیه السلام و سایر شهدا در کربلا می داند. (۵)

۷- شیخ فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ق.) می گوید:

«خرج علی بن الحسین علیه السلام بالنسوه و رد راس الحسین علیه السلام الی کربلا» (۶)

یعنی: امام سجاد علیه السلام به همراه اهل بیت علیهم السلام، سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند.

۸- عماد الدین طبری آملی (متوفی اوایل قرن ششم) . (۷)

۹- شیخ شهید طبرسی در سال ۵۰۸ق. (۸)

۱۰- ابن شهر آشوب (متوفی سال ۵۸۸ق.) در مناقب اعاده سر مطهر به بدن را ذکر کرده است. (۹)

۱۱- علامه شهیر و مورخ کبیر، سبط ابن الجوزی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفی سال ۶۵۴ق.) چنین می گوید:

«الاشهر انه رد الی کربلا فدفن مع الجسد» . (۱۰)

یعنی: بنا بر نظر مشهورتر، سر امام حسین علیه السلام به کربلا بازگردانده و با پیکرش دفن گردید.

۱۲- سید بن طاووس - علی بن موسی بن جعفر - (متوفی ۶۶۸ق.)، در کتاب لهوف، رجوع اهل بیت علیهم السلام به کربلاـ و همچنین دفن سر مطهر در کربلا را نقل کرده، و در کتاب اقبال، (۱۱) لحوق سر مطهر به بدن در روز بیستم صفر را پذیرفته، گر چه در باره آورنده سر مطهر و کیفیت دفن آن سکوت کرده است.

۱۳- شیخ فقیه ابن نما حلی - جعفر بن محمد بن جعفر - (متوفی اواخر قرن هفتم) نسبت به ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا و ملاقاتشان با جابر تصریح نموده است. (۱۲)

ص: ۲۳

۱۴- مورخ معروف «خواند میر» (متوفی ۹۴۲ق.)، اربعین را اصح روایات در دفن سر مطهر دانسته، و می گوید:

«امام چهارم با خواهران و... در بیستم شهر صفر، سر امام حسین علیه السلام و سایر شهیدان کربلا (رضی الله عنهم) را به بدنهی ایشان منضم ساخت» . (۱۳)

۱۵- الشبراوی، عبد الله بن محمد، شیخ جامع ازهر قاهره، صاحب کتاب «الاتحاف بحب الاشراف» (متوفی ۱۱۷۲ق.) نقل می کند:

«بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد» . (۱۴)

۱۶- زکریا بن محمد قزوینی (متوفی ۱۳۰۵ق.) در کتاب عجائب المخلوقات چنین می گوید:

«الیوم الاول منه عید بنی امیه ادخلت فیه راس الحسین (رضی الله عنه) بدمشق و العشرون منه رد راس الحسین الی جثته.» یعنی: اولین روز ماه صفر، عید بنی امیه بود، سر مقدس امام حسین علیه السلام در این روز وارد دمشق شد و در روز بیستم همین ماه، سر مبارک امام، به بدن مطهرش بازگردانده شد.

۱۷- علامه جلیل القدر سید محسن امین عاملی در «لواعج الاشجان» به نقل از بشاره المصطفی، و در «اعیان الشیعه» می گوید:

«ورود اهل بیت به کربلا مشهور است» . (۱۵)

۱۸- عالم شریف سید عبد الرزاق مقرم در «مقتل الحسین علیه السلام» چنین می گوید:

«اهل بیت علیهم السلام در کربلا با جابر ملاقات کردند» . (۱۶)

و نیز می گوید:

«امام سجاد علیه السلام سر مطهر پدر و سایر شهدا را در کربلا ملحق به بدنها کرد» . (۱۷)

۱۹- ابن حجر مکی، احمد بن محمد، (متوفی سال ۹۳۷ق.) صاحب کتاب «الصواعق المحرقه» و شرح قصیده همزیه بوصیری می گوید:

«بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد» . (۱۸)

ص: ۲۴

پی نوشت ها

۱) مقتل ابو مخنف، به نقل از مرحوم حاج میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۷.

۲) شیخ صدوق، امالی، ۱۳۴۹ ش.، ص ۱۶۸، مجلس ۳۱.

۳) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۱، چاپ دوم، به نقل از مناقب شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۰ و نیز نقل شیخ طبرسی در اعلام الوری، ص ۲۵۰، ج بیروت ۱۳۹۹ق.

۴) همان، ص ۳۴۴ به نقل از الاثار الباقیه، ص ۳۳۱ چاپ اروپا، و نیز ص ۲۲ ج دوم به نقل از ترجمه الاثار الباقیه ص ۳۹۲، تهران ۱۳۲۱.

۵) به نقل از مرحوم محدث قمی، نفس المهموم، ص ۴۶۶، و شهید قاضی، پیشین، ص ۳۴۱.

۶) شیخ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۳۰.

۷) بشاره المصطفی، به نقل سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۷.

۸) اعلام الوری، چاپ بیروت، ۱۳۹۹ق.، ص ۲۵۰.

۹) به نقل از سید مقرم، مقتل الحسین، ص ۴۶۹.

۱۰) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۲و۳۴۹ چاپ ۲، به نقل از تذکره الخواص، و نیز مقتل مقرم ص ۴۷۰ به نقل از تذکره الخواص ص ۱۵۰ همچنین اعیان الشیعه ج ۱، ص ۶۲۶، ق ۲.

۱۱) ص ۵۸۸.

۱۲) مثیر الاحزان» ، ۱۳۱۸ق، ص ۵۹، به نقل از شهید قاضی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰، و نیز سید مقرم، پیشین، ص ۴۶۹.

۱۳) خواند میر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۶۰.

۱۴) مقتل مقرم، ص ۴۶۹ به نقل از الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۲.

۱۵) سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۷.

۱۶) عبد الرزاق مقرم، مقتل الحسین، ص ۴۶۷، چ ۱۳۸۳ ق

۱۷) همان، ص ۴۶۹.

۱۸) همان.

عنایات امام حسین (ع) به زوار در روز اربعین

شفا ی چشم

آقای حاج میرزا مهدی بروجردی نزیل قم که از علماء و بزرگان حوزه علمیه و صاحب تاءلیفات عدیده است من جمله اسلام و مستمندان که در آن نوشته است ، در سن بیست سالگی در اثر ضعف چشم محتاج بعینک شدم و بالنتیجه لازم دانستم که برای علاج آن اقدام عاجلی بعمل آورم برای این منظور باطباء مخصوص چشم مراجعه کردم ولی بعد از مداوای زیاد نتیجه مثبت بدست نیامد و برای خواندن خطوط و دیدن افراد نیازمند بعینک بودم ، تا اینکه سالی بعد از مراجعت از مکه از طرف کویت بکاظمین مشرف شدم ، نزدیک اربعین که شب زیارتی قبر امام حسین ع است باید در چنین شبی درک فیض کرد، مردم از اطراف بکربلا میرفتند تا فیوضات آن شب و عنایات و الطاف الهی در حرم امام حسین ع بهره مند باشند منهم بهمین منظور عازم شدم که تا بتوانم بلکه شفای ضعف چشم خودم را در کنار آن مرقد مطهر از خدای متعال بخواهم و باتوسل بذیل عنایت آقا سید الشهداء ابا عبداللّه الحسین ع خدا حاجتم را برآورد، عصر روز نوزدهم صفر بود به عزم کربلا کاظمین را ترک گفتم . وسیله ما باقطار راه آهن بود معلوم است که قطار برای پیاده و سوار کردن مسافرین ایستگاههای متعدد دارد، از آنجائیکه شب اربعین بود. جمعیت زیادی که ازدهات مجاور می آمدند در ایستگاهها برای سوارشدن بقطار ایستاده بودند بهرحال جمعیت زیادی داخل قطار را پرکرده تا بحدیکه در داخل کوپه های مسافربری جانبود و مادر کوپه ای بودیم که محل بارچهار پایان بود و صندلی هم نداشت و مردم اکثرا سراپا ایستاده بودند در راهرو و کوپه ها هیچ جای اضافی نبود در عین حال باز در هر ایستگاه بر جمعیت و تزاحم افزوده میشد خصوصا در یکی از ایستگاه ها بعضی از اعراب بَدَوی و کثیف باپای برهنه و گل آلود سوار شدند و بعضی ها را در داخل کوپه ای که ما بودیم جا کردند البته وضع لباس و اندام آنها نحوه ای بود که من واقعا متنفر بودم و با خود میگفتم که اینها کی هستند وباپاهای گل آلود میخواهند بکجا بروند؟!

ص: ۲۵

با این وضع چه زیارتی ؟ آیا اینها از زوار محسوبند؟! در این فکر بودم که ناگاه بفکرم رسید که لباس و صورت و تجملات ظاهری نشانه آدمیت نیست ،

تن آدمی شریف است بجان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

از کجا که اینها زائر واقعی امام حسین ع نباشند چه بسا مردمی بزیارت می روند که صاحب تجملند ولی در اثر خبث باطنی زائر نیستند پس اینها راسبک نشمار شاید تقربشان نزد حق زیادتر باشد، و دمی از این اندیشه آرام گرفتم بعد بیاد این افتادم که من در سن بیست سالگی و گل جوانی بضعف چشم گرفتار شدم . خدایا می شود بر من توجهی کنی و در اثر توکل بامام حسین ع سلامت چشم را بمن باز دهی آیا توسل من امشب نتیجه دارد؟ آیا امام حسین ع به من عنایتی می فرماید؟ آیا خدا امشب حاجتم را بر می آورد اجابت دعا که در تحت قبه و بارگاه حضرت امام حسین ع از وعده های حق است ، ناگاه بخود گفتم بزیارت میروم که عرض حاجت کنم وه چه مقام بزرگی وه چه حاجت کوچکی مقام رفیع و بلند اباعبداللّه جانباز زکوی حق کجا شفای ضعف چشم ، چه انتظار و خواسته کوچکی برای نیل به این حاجت می توانم بخواست خدااز زوار حضرتش استفاده کنم در این حال باقلبی دور از شائبه باصفای باطنی و معنوی باتوجه بمقام زائرین آن حضرت چشمم بر خورد به پای یکی از مسافرین کربلا که پایش گل آلود بوده آهسته دست بردم و به مقدار عدسی از گل خشکیده پای او را برداشتم و در دست سرمه کردم و با دست چپ عینک از چشم برداشتم و بادست راست آن خاک را بچشم مالیدم ، مالیدن همان شد خوب شدن و رفع ضعف چشم هم همان دیگر نیازی به عینک پیدانکردم اللهم ارزقنا زیاره قبره و شفاعه جده آمین رب العالمین .

ص: ۲۶

منبع:

کرامات الحسینیه (ع) ج ۲

تشرف خدمت امام زمان (عج)

جناب آقای کافی به نقل از مقدس اردبیلی می فرمود: (با طلاب پیاده به کربلا می رفتیم . در بین راه یک آقای طلبه ای بود که گاهی برای ما روضه می خواند و امام حسین علیه السلام یک نمکی در حنجره اش گذاشته بود. آمدم کربلا. زیارت اربعین بود. از بس که دیدم زایر آمده و شلوغ است، گفتم: داخل حرم نروم و مزاحم زایران نشوم. طلبه ها را دور خود جمع کردم و گوشه صحن آماده خواندن زیارت شدیم، یک وقت گفتم: آن طلبه ای که در راه برای ما روضه می خواند کجاست؟ گفتند: نمی دانیم بین این جمعیت کجا رفت. ناگهان دیدم که یک مرد عربی مردم را کنار می زند و به طرف من می آید. صدا زد: ملا محمد مقدس اردبیلی! می خواهی چه بکنی؟ گفتم: می خواهم زیارت اربعین بخوانم. فرمود: بلندتر بخوان تا من هم گوش کنم زیارت را بلندتر خواندم، یکی دو جا توجه ام را به نکاتی ادبی دادم . وقتی زیارت تمام شد، به طلبه ها گفتم : آن طلبه پیدا نشد؟ گفتند نمی دانیم کجا رفته است. یک وقت آن مرد عرب به من فرمود: مقدس اردبیلی! چه می خواهی؟ گفتم : یکی از طلبه ها در راه برای ما گاهی روضه می خواند، نمی دانم کجا رفته؟ خواستم بیاید و برای ما روضه بخواند. آن عرب به من فرمود: مقدس اردبیلی! می خواهی من برایت روضه بخوانم؟ گفتم: آری، آیا به روضه خواندن واردی؟ فرمود: آری. ناگاه آن شخص رویش را به طرف ضریح امام حسین علیه السلام کرد و از همان طرز نگاه کردن، ما را منقلب کرد، یک وقت صدا زد: ابا عبدالله ! نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این طلبه ها هیچ کدام یادمان نمی رود، آن ساعتی را که می خواستی از خواهرت زینب سلام الله علیها جدا شوی ! ناگاه دیدم کسی نیست، و فهمیدم آن عرب، مهدی زهرا (سلام الله علیها) بوده است .

ص: ۲۷

منبع:

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب سلام الله علیها

نجات فرزند غرق شده درفرات

جناب حجه الاسلام آقای شیخ محمّد انصاری رحمه اللّه علیه ساکن سر کوه داراب نقل فرمود:در سنه ۱۳۷۰ کربلا مشرف شدم و پسرم مریض شد، و او را به قصد استشفاء همراه بردم .

روز اربعین شد با فرزندم در کنار و گوشه ای از شریعه فرات برای غسل زیارت در آب رفتیم و مشغول غسل کردن بودم که ناگهان دیدم آب فرزندم را برد و فاصله زیادی بین من و او قرار گرفت و تنها سر او را می دیدم و توانائی شنا کردن نداشتم و کسی هم نبود که بتواند شنا کند و او را نجات دهد پس با کمال حضور قلب و خلوص و شکستگی دل به پروردگار ملتجی شده و خدا را بحق حضرت سیدالشهداء علیه السلام قسم دادم و فرزندم را طلب کردم هنوز فرزندم را می دیدم ، که ناگاه دیدم رو بمن بر می گردد تا نزدیک من رسید دست او را گرفته از آب بیرون آوردم از حالش پرسیدم .گفت: کسی را ندیدم ولی مثل اینکه کسی بازوی مرا گرفته بود و مرا به شما رسانید پس به سجده رفتم و خدای را بر اجابت دعایم شکر نمودم.

منبع:

کرامات الحسینیه (ع) ج ۱

اهمیت عدد چهل در روایات

چهل بار شانه زدن محاسن

کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یسرح تحت لحیته أربعین مره و من فوقها سبع مرات و یقول: إنه یزید فی الذهن و یقطع البلغم.

پیامبر صلی الله علیه واله معمولاـ چهل بار ریش خود را از زیر و هفت بار از بالاـ شانه می زدند و می فرمودند: این کار موجب افزایش ذهن و قطع بلغم می شود.

ص: ۲۸

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط – القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۰۸

پاداش چهل هزار شهید برای اذان گو

و قال رسول الله صلی الله علیه واله من أذن محتسبا یرید بذلک وجه الله عز و جل أعطاه الله ثواب أربعین ألف شهید و أربعین ألف صدیق و یدخل فی شفاعته أربعین ألف مسی ء من أمتی إلی الجنه ألا و إن المؤذن إذا قال أشهد أن لا إله إلا الله صلی علیه سبعون ألف ملک و استغفروا له و کان یوم القیامه فی ظل العرش حتی یفرغ من حساب الخلائق و یکتب ثواب قوله أشهد أن محمدا رسول الله أربعون ألف ملک.

پیامبر صلی الله علیه والهفرموده اند: هر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید خدایش پاداش چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق ارزانی می دارد و چهل هزار تن از گنهکاران امت مرا با شفاعت او به بهشت می برد، همانا چون مؤذن «اشهد ان لا اله الا الله» می گوید، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند و برای او طلب آمرزش می کنند و او روز رستاخیز در سایه عرش است تا رسیدگی به حساب مردم تمام شود و پاداش «اشهد ان محمدا رسول الله» را چهل هزار فرشته برای او می نویسد. و روایت شده است هر کس اذان و اقامه برای نماز بگوید پشت سرش دو صف از فرشتگان به او اقتدا می کنند و هر کس فقط اقامه بگوید پشت سرش یک صف از فرشتگان نماز می گزارند.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط – القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۱۳

دعا برای چهل مومن

قال أبو عبد الله علیه السلام من قدم أربعین رجلا من إخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه استجیب له فیهم و فی نفسه.

ص: ۲۹

امام صادق علیه السلام فرموده است هر کس در دعا کردن چهل تن از برادران دینی خود را مقدم بر خویش بدارد و دعا کند و سپس برای خود دعا کند دعایش در مورد آنان و خودش برآورده می شود.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۲۶

چهل حسنه برای ذکر باتسبیح تربت

قال أبو الحسن موسی علیه السلام لا تستغنی شیعتنا عن أربع خمره یصلی علیها و خاتم یتختم به و سواک یستاک به و سبحه من طین قبر أبی عبد الله الحسین علیه السلام فیها ثلاث و ثلاثون حبه متی قلبها ذاکرا لله کتب الله له بکل حبه أربعین حسنه و إذا قلبها ساهیا یعبث بها کتب الله له عشرین حسنه.

امام کاظم علیه السلام فرموده است، شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند، حصیری که بر آن نماز بگزارند و انگشتری که در دست کنند و مسواکی که با آن مسواک کنند و تسبیح از تربت سید الشهداء علیه السلام که دارای سی و سه دانه باشد، هر گاه با آن ذکر بگویند خداوند برایشان در قبال هر دانه آن چهل حسنه می نویسد و هر گاه بدون اینکه ذکر بگویند، با آن تسبیح بازی کنند، خداوند برای آنان بیست حسنه مرقوم می دارد.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۴۱۲

چهل روز گریه آسمان و زمین بر امام حسین(ع)

و حدثنی علی بن الحسین بن موسی عن علی بن إبراهیم و سعد بن عبد الله جمیعا عن إبراهیم بن هاشم عن علی بن فضال عن أبی جمیله عن جابر عن أبی جعفر علیه السلام قال: ما بکت السماء علی أحد بعد یحیی بن زکریا إلا علی الحسین بن علی علیه السلام فإنها بکت علیه أربعین یوما.

ص: ۳۰

علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبد الله، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیله، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:بعد از حضرت یحیی بن زکریا علیهما السلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه می کرد.

و حدثنی أبی رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن علی بن فضال عن ابن بکیر عن زراره عن عبد الخالق بن عبد ربه قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول لم یجعل الله له من قبل سمیا الحسین بن علی لم یکن له من قبل سمیا و یحیی بن زکریا لم یکن له من قبل سمیا و لم تبک السماء إلا علیهما أربعین صباحا قال قلت ما بکاؤها قال کانت تطلع حمراء و تغرب حمراء.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضال، از ابن بکیر، از زراره، از عبد الخالق بن عبد ربه نقل کرده که وی گفت:شنیدم که حضرت ابو عبد الله علیه السلام در ذیل آیه شریفه:لم نجعل له من قبل سمیا.می فرمودند:حسین بن علی علیه السلام پیش تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریا علیهما السلام نیز قبلا همنامی نداشتند.و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو که چهل صباح گریه کرد.

راوی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

ص: ۳۱

کامل الزیارات، النص، ص: ۹۰

پیامبر (ص)چهل بامداد به در خانه علی (ع)آمد

عن عطیه عن أبی سعید قال: جاء رسول الله صلی الله علیه واله و سلم أربعین صباحا إلی باب علی بعد ما دخل بفاطمه فقال: السلام علیکم أهل البیت و رحمه الله و برکاته، الصلاه رحمکم الله (إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا) أنا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم.

عطیه از ابو سعید نقل می کند که گفت: پیامبر خدا پس از عروسی فاطمه با علی، چهل بامداد به در خانه علی می آمد و می گفت: سلام بر شما خاندان و رحمت و برکات خدا بر شما باد، وقت نماز است خدا شما را رحمت کند، «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» من دشمن کسی هستم که با شما دشمنی کند و دوست کسی هستم که با شما دوستی کند.

سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، ص: ۲۵۲

کسی که چهل حدیث ازپیامبر(ص) حفظ کند

قال رسول الله صلی الله علیه و آله من حفظ عنی من أمتی أربعین حدیثا من السنه کنت له شفیعا یوم القیامه.

و پیامبر صلی الله علیه واله فرموده اند: هر کس از امت من چهل حدیث از سنت من حفظ کند، من روز رستاخیز شفیع او خواهم بود.

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله من حفظ عنی من أمتی أربعین حدیثا فی أمر دینه یرید به وجه الله و الدار الآخره بعثه الله یوم القیامه فقیها عالما.

و همان حضرت فرموده اند: هر کس از امت من چهل حدیث از من در امر دین خود بیاموزد و قصد او رضای خداوند و برای قیامت باشد، خداوند روز رستاخیز او را فقیه و عالم مبعوث می فرماید.

ص: ۳۲

قال الصادق علیه السلام من حفظ عنا أربعین حدیثا من أحادیثنا فی الحلال و الحرام بعثه الله یوم القیامه فقیها عالما و لم یعذبه.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس چهل حدیث از احادیث ما را در مورد حلال و حرام حفظ کند، خداوند او را در رستاخیز فقیه و عالم برمی انگیزد و او را عذاب نمی کند.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط – القدیمه)، ج ۱، ص: ۸

چهل حدیث از امام حسین علیه السلام

۱. إنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَغْبَهً فَتِلْکَ عِبادَهُ التُّجارِ، وَ إنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَهْبَهً فَتِلْکَ عِبادَهُ الْعَبیدِ، وَ إنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ شُکْراً فَتِلْکَ عِبادَهُ الْأحْرارِ، وَ هِیَ أفْضَلُ الْعِبادَهِ.

همانا عدّه ای خداوند متعال را به جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود و عدّه ای دیگر از روی ترس، خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد؛ و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس، از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند؛ و این ، عبادت آزادگان است که بهترین عبادات می باشد.

۲. إنَّ أجْوَدَ النّاسِ مَنْ أعْطی مَنْ لا یَرْجُوهُ، وَ إنَّ أعْفَی النّاسِ مَنْ عَفی عَنْ قُدْرَه، وَ إنَّ أَوْصَلَ النّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ.

همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است. بخشنده ترین افراد آن شخصی است که(نسبت به ظلم دیگری با آن که توان انتقام دارد) گذشت نماید. صله رحم کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان، آن کسی ست که صله رحم نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است.

ص: ۳۳

۳. النّاسُ عَبیدُالدُّنْیا، وَ الدّینُ لَعِبٌ عَلی أَلْسِنَتِهِمْ، یَحُوطُونَهُ ما دارَتْ بِهِ مَعائِشَهُمْ، فَإذا مُحِصُّوا بِالْبَلاءِ قَلَّ الدَّیّانُونَ.

افراد جامعه بنـده و تابع دنیا هسـتند و مـذهب، بازیچه زبانشان گردیـده است و برای إمرار معاش خود، دین را محور قرار داده انـد و سنگ اسـلام را به سینه می زنند. پس اگر بلائی (همانند خطر مقام و ریاست، جان، مال، فرزند و موقعیّت، ...) انسان را تهدید کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد.

۴. إعْمَلْ عَمَلَ رَجُل یَعْلَمُ أنّه مأخُوذٌ بِالْاَجْرامِ، مُجْزی بِالْاَحْسانِ.

کارهـا و أمور خود را هماننـد کسـی تنظیم کن و انجـام ده که می دانـد و مطمئن است که در صورت خلاـف تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد. و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت.

۵. عِبادَاللهِ! لا تَشْتَغِلُوا بِالدُّنْیا، فَإنَّ الْقَبْرَ بَیْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَ لا تَغْفُلُوا.

ای بنـدگان خـدا، خود را مشـغول و سرگرم دنیا و تجمّلات آن قرار ندهیـد که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل صالـح در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

۶. لا تَقُولَنَّ فی أخیکَ الْمُؤمِنِ إذا تَواری عَنْکَ إلاّ مِثْلَ ماتُحِبُّ أنْ یَقُولَ فیکَ إذا تَوارَیْتَ عَنْهُ.

سخنی که ناراحت کننده باشد پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آن که دوست داشته باشی که همان سخن پشت سر خودت گفته شود.

۷. مَنْ لَبِسَ ثَوْباً یُشْهِرُهُ کَساهُ اللهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ ثَوْباً مِنَ النّارِ.

هرکس لباس شهرت - و انگشت نما از هر جهت - بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می پوشاند.

ص: ۳۴

۸. أنَا قَتیلُ الْعَبَرَهِ، لایَذْکُرُنی مُؤْمِنٌ إلاّ اِسْتَعْبَرَ.

من کشته گریه ها و اشک ها هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد.

۹. لَوْ شَتَمَنی رَجُلٌ فی هذِهِ الْاُذُنِ، وَ أَوْمی إلیَ الْیُمْنی، وَ اعْتَذَرَ لی فِی الْاُخْری لَقَبِلْتُ ذلِکَ مِنْهُ، وَ ذلِکَ أَنَّ أَمیرَ الْمُؤْمِنینَ حَدَّثَنی أَنَّهُ سَمِعَ جَدّی رَسُولَ اللهِ یَقُولُ: لا یَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ یَقْبَلِ الْعُذرَ مِنْ مُحِقٍّ أوْ مُبْطِل.

چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را بفهمم، از او می پذیرم و گذشت می نمایم، چون که پدرم امیرالمؤمنین علیّ (علیه السلام) از جدّم رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت نمود: کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

۱۰. مَنْ عَبَدَاللّهَ حَقَّ عِبادَتِهِ، آتاهُ اللّهُ فَوْقَ أمانیهِ وَ کِفایَتِهِ.

هر کس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، عبادت و پرستش نماید ;خدای متعال او را به بهترین آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تأمین می نماید.

۱۱. یَا ابْنَ آدَم! اُذْکُرْ مَصْرَعَکَ وَ مَضْجَعَکَ بَیْنَ یَدَی اللهِ، تَشْهَدُ جَوارِحُکَ عَلَیْکَ یَوْمَ تَزِلُّ فیهِ الْأَقْدام.

ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد.

۱۲. مُجالَسَهُ أهْلِ الدِّناءَهِ شَرٌّ، وَ مُجالَسَهُ أهْلِ الْفِسْقِ ریبَهٌ.

همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ و بد یختی خواهد گشت ;و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شکّ و بدبینی خواهد شد.

ص: ۳۵

۱۳. لِکُلِّ داء دَواءٌ، وَ دَواءُ الذُّنُوبِ الإسْتِغْفارِ.

برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.

۱۴. مَنْ نَفَّسَ کُرْبَهَ مُؤْمِن، فَرَّجَ اللهُ عَنْهُ کَرْبَ الدُّنْیا وَالاْخِرَه.

هرکس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید.

۱۵. یَا ابْنَ آدَمَ! أُذْکُرْ مَصارِعَ آبائِکَ وَ أبْنائِکَ، کَیْفَ کانُوا، وَ حَیْثُ حَلّوُا، وَ کَأَنَّکَ عَنْ قَلیل قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ.

ای فرزند آدم، بیاد آور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان و دوستان تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آن ها در چه وضعیّت و موقعیّتی بودند و سرانجام به کجا منتهی شدند و کجا رفتند. و بیندیش که تو نیز همانند آن ها به ایشان خواهی پیوست (پس مواظب اعمال و رفتار خود باش) .

۱۶. یَا ابْنَ آدَمَ، إنَّما أنْتَ أیّامٌ، کُلَّما مَضی یَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُکَ.

ای فرزند آدم، بدرستی که تو مجموعه ای از زمان ها و روزگار هستی، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی و سپری گشته است (بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است).

۱۷. مَنْ حاوَلَ أمْراً بِمَعْصِیَهِ اللهِ کانَ أفْوَتُ لِما یَرْجُو وَ أسْرَعُ لِمَجییءِ ما یَحْذَرُ.

هرکس از روی نافرمانی و معصیتِ خداوند، کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریع تر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد.

۱۸. الْبُکاءُ مِنْ خَشْیَهِ الله نَجاتٌ مِنَ الّنارِ وَ قالَ: بُکاءُ الْعُیُونِ، وَ خَشْیَهُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَهِ اللهِ.

ص: ۳۶

گریان بودن به جهت ترس از عذاب خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود ;و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دل ها یکی از نشانه های رحمت الهی برای بنده است.

۱۹. لا یَکْمِلُ الْعَقْلُ إلاّ بِاتّباعِ الْحَقِّ.

بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که أهل حقّ و صداقت باشد و از حقایق، تبعیّت و پیروی کند.

۲۰. أَهْلَکَ النّاسَ إثْنانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ.

دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است:

یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند. و دیگری فخر کردن در مسائل مختلف و مباهات بر دیگران است.

۲۱. مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبَوَیْهِ الاْفْضَلَیْنِ مُحَمَّد وَ عَلیّ، و أطاعَهُما، قیلَ لَهُ: تَبَحْبَحْ فی أیِّ الْجِنانِ شِئْتَ.

هر شخصی که حقّ والدینش محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) ، و علیّ (علیه السلام) را که با شرافت و با فضیلت ترین انسان ها هستند، بشناسد و در تمام امور زندگی از ایشان تبعیّت و اطاعت کند ;در قیامت به او خطاب می شود: هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی، می توانی انتخاب کنی و در آن وارد شوی.

۲۲. مِن عَلامَاتِ أَسبَاب الجَهلِ المُمارَاه لِغَیر أَهلِ الفِکر.

یکی از نشانه های جهل و نادانی ، نزاع و جدال با غیر اهل فکر است.

۲۳. إنَّ شیعَتَنا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ کُلِّ غِشٍّ وَ غِلّ وَ دَغَل.

شیعیان و پیروان ما (اهل بیت عصمت و طهارتعلیهم السلام) آن کسانی هستند که افکار و درون آن ها از هر گونه حیله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد.

ص: ۳۷

۲۴. لاتَرفع حاجَتَک إلاّ إلی أحَدٍ ثَلاثه: إلی ذِی دِینٍ ، اَو مُرُوّه اَو حَسَب

جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار ، یا صاحب مروت ، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

۲۵. مَن عَبَدَ اللهَ حَقَّ عِبادَتِهِ آتاهُ اللهُ فَوقَ أمانِیهِ وَ کفایتِهِ

هر که خدا را ، آن گونه که سزاوار اوست ، بندگی کند ، خداوند بیش از آرزوها و کفایتش به او عطا کند.

۲۶. مَن حاوَلَ أمراً بِمَعصِیهِ الله کان أفوتُ لما یَرجُوا و أسرَع لما یحذَر

کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد ، دیرتر به آرزویش می رسد و زودتر به آنچه می ترسد گرفتار می شود.

۲۷. أَعجَزالنّاسِ مَن عَجَزَ عَنِ الدُّعاء

عاجزترین مردم کسی است که نتواند دعا کند.

۲۸. لا یأمَن یومَ القیامَهِ إلاّ مَن خافَ الله فِی الدُّنیا

هیچ کس در قیامت در امان نیست ! مگر کسی که در دنیا ترس از خدا در دل داشته باشد.

۲۹. إنَّ شِیعَتَنا مَن سَلمَت قُلُوبُهُم مِن کلِّ غَشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ

بدرستی که شیعیان ما قلبشان از هرناخالصی و حیله و تزویر پاک است.

۳۰. مَن طَلَبَ رِضَی النَّاسِ بِسَخَطِ الله وَکَّلَهُ الله إلَی النَّاس.

کسی که برای جلب رضایت و خوشنودی مردم ، موجب خشم و غضب خداوند میشود ، خداوند او را به مردم وا می گذارد.

۳۱. لا تقولوا بَاَلسِنَتکم ما ینقُص عَن قَدَرَکم

چیزی را بر زبان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

۳۲. یَظهَرُ اللَّهُ قائِمَنا فَیَنتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ

خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آنگاه او از ستمگران انتقام می گیرد.

ص: ۳۸

۳۳. إنَّ حَوائِجَ النّاسِ إلَیکم مِن نِعَمِ اللهِ عَلَیکم فَلا تَمَلُّوا النِّعَمَ

نیاز مردم به شما ، از نعمتهای خدا بر شما است، از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

۳۴. عِبادَاللهِ! لا تَشْتَغِلُوا بِالدُّنْیا، فَإنَّ الْقَبْرَ بَیْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَ لا تَغْفُلُوا

ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا نکنید که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل(صالح) در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

۳۵. اللّهُمّ اجعَلْنی أخشاکَ کَأنّی أراکَ ، وأسعِدْنی بتَقواکَ ، ولا تُشقِنی بِمَعصِیَتِکَ

بار خدایا ! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می بینمت و باتقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان و با معصیت و نافرمانیت بدبختم مکن.

۳۶. فَإیّاکَ أنْ تَکونَ مِمّن یَخافُ علی العِبادِ مِن ذنوبِهِم و یَأمَنَ العقوبهَ مِن ذَنبِهِ.

از کسانی نباشید که بر گناه بندگان بیم دارند و خود از عقوبت گناه خویش آسوده خاطرند!

۳۷. اِنّ اَعفَی النّاسِ مَن عَفا عِندَقُدرَتِهِ

بخشنده ترین مردم کسی است که در هنگام قدرت می بخشد.

۳۸. مَاذَا وَجَدَ مَن فَقَدَک؟ وَ مَا الَّذِی فَقَدَ مشن وَجَدکَ؟ لَقَد خَابَ مَن رَضِیَ دُونَکَ بَدَلا.

چه دارد آن کس که تو را ندارد؟ و چه ندارد آن که تو را دارد؟ آن کس که به جای تو چیز دیگری را پسندد و به آن راضی شود، مسلما زیان کرده است .

۳۹. و أَنِّی لَم أَخرُج أَشِرَاً و لَا بَطراً و لَا مُفسِداً و لَا ظَالِماً و إِنَّمَا خَرَجتُ لِطَلبِ الإِصلَاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی صلَّی الله علیه و آله، أُرِیدُ أن آمَرَ بالمَعرُوفِ و أَنهی عَنِ المُنکَر و أسِیرُ بِسِیرهِ جَدِّی و أبی علی بن أبی طالب علیه السلام .

ص: ۳۹

به درستی که من بیهوده ، گردنکش ، ستمگر و ظالم حرکت نکردم ، بلکه برای اصلاح در امت جدم محمد (صلَّی الله علیه و آله) حرکت کردم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم محمد (صلَّی الله علیه و آله) و پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفتار کنم.

۴۰. مَن أَحَبَّکَ نَهاکَ و مَن أَبغَضَکَ أغراکَ.

کسی که تو را دوست دارد، از تو انتقاد می کند و کسی که با تو دشمنی دارد، از تو تعریف و تمجید می کند.

پی نوشت ها:

۱-تحف العقول: ص ۱۷۷، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۷، ح۵

۲-نهج الشّهاده: ص ۳۹، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴

۳-محجّه البیضاء: ج ۴، ص ۲۲۸، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۶، ح ۲

۴-بحارالأنوار: ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۵ و ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۰

۵-نهج الشّهاده: ص ۴۷

۶-نهج الشّهاده: ص ۴۷

۷-بحار الأنوار: ج ۴۴، ص ۱۹۲، ضمن ح ۴، و ص ۳۸۱، ضمن ح ۲

۸-أمالی شیخ صدوق: ص ۱۱۸، بحارالأنوار: ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۹

۹-إحقاق الحقّ: ج ۱۱، ص ۴۳۱

۱۰-تنبیه الخواطر: ص ۴۲۷، س ۱۴، بحارالأنوار: ج ۶۸، ص ۱۸۳، ح ۴۴

۱۱-نهج الشّهاده: ص ۵۹

۱۲-نهج الشّهاده: ص ۴۷، بحارالأنوار: ج ۷۸، ص ۱۲۲، ح ۵

۱۳-وسائل الشّیعه: ج ۱۶، ص ۶۵، ح ۲۰۹۹۳، کافی: ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۸

۱۴-مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۴۱۶، ح ۱۳، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴

۱۵-نهج الشّهاده: ص ۶۰

۱۶-نهج الشّهاده: ص ۳۴۶

۱۷- اصول کافی: ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۳، وسائل الشّیعه: ج ۱۶، ص ۱۵۳، ح ۳

ص: ۴۰

۱۸-نهج الشّهاده: ص ۳۷۰، مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۲۴۵، ح ۱۲۸۸۱

۱۹-نهج الشّهاده: ص ۳۵۶، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۱

۲۰-بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۵۴، ح ۹۶

۲۱-نهج الشّهاده: ص ۲۹۳، تفسیرالامام العسکری: ص ۳۳۰، بحار: ج ۲۳، ص ۲۶۰، ح ۸

۲۲-بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹

۲۳-تفسیرالإمام العسکری: ص ۳۰۹، ح ۱۵۴، بحارالأنوار: ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۱

۲۴-تحف العقول ، ص ۲۵۱

۲۵-بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۸۳

۲۶-بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰

۲۷-بحارالانوارج/ ۹۳ ص/ ۲۹۴

۲۸مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ، ص ۶۹

۲۹-فرهنگ سخنان امام حسین ص/ ۴۷۶

۳۰-بحارالانوار،ج۷۸،ص۱۲۶

۳۱-جلاءالعیون،ج۲ص۲۰۵

۳۲-إثباه الهداه ، ج ۷ ، ص۱۳۸

۳۳-بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵

۳۴-نهج الشّهاده: ص۴۷

۳۵-بحارالانوار ج :۹۸/ ۲۱۸ /۳

۳۶-تحف العقول ص۲۳۹

۳۷-الدره الباهره ، ص۲۴

۳۸-دعای عرفه ، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۸

۳۹-بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۴۰-بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹